



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 2, 2025

The Islamic Republic of Iran's Legislative Criminal Policy Regarding the Victimization of Migrants

Sabri Khaledian¹, Qobad Kazemi*², Sasan Rezaei Fard³

1. PhD Student, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 49-62

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4389-6532

TELL: +989186815899

Email: kazemi7879@yahoo.com

Article history:

Received: 14 Mar 2025

Revised: 09 Apr 2025

Accepted: 30 Apr 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Migration, Refugee, Criminal Policy, International Law.

ABSTRACT

Migrants are the primary subject of a new branch of international law called International Migration Law. According to the definition of the United Nations, those who reside in a country other than their country of origin with the intention of staying for a period of more than twelve months are considered migrants. The first right of migrants is the right to freedom of movement, which is protected in various documents. In migration management, the mutual relationship between governments and migrants is considered. Since this research is carried out using a library method, it will show the results by analyzing the content extracted. The aim of this article is to examine the legislative criminal policy of the Islamic Republic of Iran regarding the victimization of migrants, and its main question is: What is the policy adopted by the Iranian criminal justice system in legislation regarding the phenomenon of migrant victimization? As a result, merely implementing control and strict policies regarding migrants cannot guarantee the security and interests of governments. In this regard, governments, by committing to international documents and within this framework, should formulate their policies and programs. In fact, accepting migrants and paying attention to the positive effects of international migrations reduces anti-immigrant views and ensures that the civil rights of this vulnerable group are observed at the international and domestic levels.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Khaledian, S; Kazemi, Q & Rezaei Fard, S (2025). "The Islamic Republic of Iran's Legislative Criminal Policy Regarding the Victimization of Migrants". *Journal of International Criminal Law*, 3(2): 49-62.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در خصوص بزه‌دیدگی مهاجرین

صبری خالدیان^۱، قباد کاظمی^{۲*}، ساسان رضائی فرد^۳

۱. دانشجوی دوره دکتری، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مهاجران موضوع اصلی شاخه جدیدی از حقوق بین‌الملل به نام حقوق بین‌الملل مهاجرت می‌باشند. براساس تعریف سازمان ملل متحد، کسانی که در کشوری غیر از کشور متبوع خود به‌قصد اقامت برای مدتی بیش از دوازده ماه استقرار می‌نمایند، مهاجر می‌باشند. نخستین حق مهاجران، حق آزادی تردد است که در اسناد مختلف حمایت گردیده است. در مدیریت مهاجرت، ارتباط متقابل دولت‌ها و مهاجران مدنظر می‌باشد. از آنجایی که این پژوهش با روش کتابخانه‌ای صورت می‌پذیرد، با تحلیل محتوای برداشت شده برآمد کار را نشان خواهد داد. هدف مقاله حاضر، بررسی سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در خصوص بزه‌دیدگی مهاجرین است و سؤال اصلی آن، این است که سیاست اتخاذی دستگاه عدالت کیفری ایران در قانونگذاری پیرامون پدیده بزه‌دیدگی مهاجرین چیست. در نتیجه، تنها اعمال سیاست‌های کنترل و سخت در خصوص مهاجران نمی‌تواند امنیت و منافع دولت‌ها را تضمین کند. از این جهت، دولت‌ها با متعهد شدن به اسناد بین‌المللی و در همین چارچوب بایستی سیاست‌ها و برنامه‌های خود را تدوین نمایند. در حقیقت، پذیرش مهاجران و توجه به آثار مثبت مهاجرت‌های بین‌المللی از دیدگاه‌های مهاجرستیزی کاسته و سبب می‌شود حقوق شهروندی این گروه آسیب‌پذیر در سطح بین‌المللی و داخلی رعایت گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹-۶۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۵۳۲-۶۳۸۹-۴۳۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۶۸۱۵۸۹۹

ایمیل: kazemi7879@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

مهاجرت، پناهنده، سیاست جنایی، حقوق بین‌الملل.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

دانش جرم‌شناسی به تناسب پیشرفت‌های چشمگیری که در سال‌های گذشته داشته است، به نوبه خود، قوانین ایران را نیز تحت سیطره خود درآورده و متأثر ساخته است. علم سیاست جنایی و دانش جرم‌شناسی همسو و همراه با یکدیگر، هر دو راهی برای سعادت انسان‌هایی که به‌نحوی اربابان رجوع به دستگاه عدالت کیفری محسوب می‌شوند، در پیش گرفته‌اند.

یکی از شاخه‌های مهم در دانش جرم‌شناسی، بزه‌دیده‌شناسی است که به مطالعه وضعیت، حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان می‌پردازد. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، با تمرکز بر طراحی سازوکارهای ویژه و تخصصی، بر ضرورت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند مهاجران تأکید دارد. مهاجران، به دلیل وضعیت خاص ناشی از بیگانگی و ناآشنایی با محیط جدید، در موقعیت‌های پرخطری قرار می‌گیرند و اغلب در معرض انواع بزه‌دیدگی قرار دارند. این گروه به دلیل محدودیت‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی، نیازمند سیاست‌های حمایتی افتراقی و اقدامات پیشگیرانه مؤثر هستند تا از آسیب‌های احتمالی مصون بمانند و حقوق آنان در نظام عدالت کیفری به شکل مطلوبی تضمین شود. (سنجایی، ۱۳۹۷: ۶۲)

یکی از اساسی‌ترین وظایف دولت‌ها، صیانت از مرزها و حفظ استقلال و تمامیت اراضی کشور است. ایران همانند بسیاری از کشورها برای ورود به قلمرو خود و خروج از آن، تشریفاتی را پیش‌بینی نموده که امکان ورود و خروج، اقامت و عبور اتباع خارجی را به کشور جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. در مقابل، ورود و اقامت غیرمجاز از موضوعاتی است که نظم و امنیت هر دو کشور مبدأ و مقصد را تهدید می‌کند. مهاجرت غیرقانونی پدیده‌ای است که قوانین و مقررات مربوط به ورود و اقامت را نقض کرده و بر اقتصاد، حاکمیت، تمامیت ارضی، رعایت حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی، بهداشت و امنیت ملی واجد تأثیر است؛ برخی از تبعات نامطلوب آن عبارتند از رسوخ پذیری مرزها در برابر عوامل ورود و خروج محل امنیت، افزایش هزینه‌های کنترل مرز، تغییر بافت جمعیتی بویژه در مناطق مرزی و افزایش باندها و شبکه‌های قاچاق. مدیریت پدیده مهاجرت غیرقانونی نیازمند شفاف‌سازی قوانین و مقررات

پناهندگی و مهاجرت است؛ تدوین یک سیاست جنایی جامع و پاسخ‌های تقنینی هماهنگ به‌منظور کنترل و پیشگیری از مهاجرت‌های غیرقانونی می‌تواند ابزاری مفید در برخورد با این پدیده و آثار زیان‌بار آن از جمله بزه‌دیدگی اولیه و ثانویه مهاجرین باشد. دو راهبرد مشخص سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص، سیاست ایجاد محدودیت برای مهاجرت غیرقانونی و سیاست جرم‌انگاری مهاجرت غیرقانونی است. ایجاد محدودیت یعنی جمهوری اسلامی ایران بنا بر ضرورت‌های خود و همچنین، اجتناب از تبعات نامطلوب مهاجرت‌های کنترل‌نشده و بی‌رویه، محدودیت‌هایی را برای امر مهاجرت به ویژه مهاجرت غیرمجاز ایجاد نموده است. دومین راهبرد کششگران سیاست جنایی ایران عبارت است از جرم‌انگاری مهاجرت غیرقانونی؛ کشور ایران دارای مقرراتی برای ورود و اقامت و خروج اتباع خارجی و تکالیفی است که این مسافران خارجی در اجرای مقررات مربوطه ملزم به رعایت آن‌ها هستند.

این پژوهش بر آن است تا ضمن تبیین ضرورت وجودی پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی مهاجرین و حمایت کیفری از مهاجرین بزه‌دیده، گستره آن در پرتو قوانین و مقررات کیفری داخلی و اسناد بین‌المللی که در بردارنده حقوق کیفری ماهوی و شکلی می‌باشند را تشریح کند و براساس رهنمودها و آموزه‌های جرم‌شناختی آسیب‌شناسی گردد.

۱- تعریف و جایگاه مهاجران

پدیده مهاجرت در جوامع مختلف در حد وسیعی به وقوع می‌پیوندد. این پدیده با مسائل مختلف امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مرتبط است. از آن جهت که مهاجرت در کشور می‌تواند فرصت و یا تهدید تلقی شود، ضروری است قبل از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این مقوله، مفاهیم مربوط به آن و منشأ شکل‌گیری گروه‌های مهاجر در کشور مورد بررسی قرار گیرد. در حقیقت، در نگاه اول، نایستی به مهاجرت و مهاجران به دید یک بحران نگریست؛ بلکه بیش از پیش باید به جایگاه و نقشی که مهاجران می‌توانند در ایران داشته باشند، توجه نمود و بدین وسیله، سعی بر آن داشت تا از فرصت‌های مهاجرت بهره‌های لازم را برد. بدون نظم و امنیتی که در اثر

داخلی، جنگ‌ها یا بلایای طبیعی ناگزیر به ترک کشور خود شده‌اند، اما هنوز تابعیت جدیدی دریافت نکرده‌اند.

د) جهانگردان و گردشگران^۱: به اشخاصی اطلاق می‌شود که به قصد تفریح، تماشا و بازدید از مناظر طبیعی و آثار تاریخی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند. از آنجا که اقامت این افراد در هر کشور به‌طور موقت و کوتاه‌مدت است و آنها به‌عنوان منابع ارزشمند اقتصادی شناخته می‌شوند، معمولاً شرایط تسهیل شده و امکانات ویژه‌ای برای ورود و اقامتشان در نظر گرفته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

لذا، می‌توان گفت ترک اقامتگاه و موطن به دلایل مختلفی انجام می‌شود که در دو دسته کلی پناهندگی و مهاجرت قرار می‌گیرد. پناهندگی معمولاً ناشی از دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، در حالی که مهاجرت بیشتر با انگیزه‌های اقتصادی و رفاهی صورت می‌گیرد. بیگانگان نیز براساس نحوه ورود و حقوقی که دارند، به چند گروه تقسیم می‌شوند: مهاجران که با اجازه اقامت به کشور دیگری نقل مکان می‌کنند، پناهندگان که به دلیل ترس از جان و امنیت خود به کشور دیگری پناه می‌برند، آوارگان که به دلایل مختلف کشور خود را ترک کرده، اما تابعیت جدیدی دریافت نکرده‌اند و گردشگران که برای مدت کوتاهی به کشوری دیگر سفر می‌کنند.

در حقوق ایران، مهاجران به‌طور خاص، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. آنچه مشاهده می‌گردد، حمایت از مهاجران در دو عنوان کلی بیگانگان و اتباع خارجه است. در حقیقت، حمایت از مهاجران با توجه به بیگانه‌بودن آنها مد نظر بوده است. بیگانه در مفهوم حقوقی به فردی اطلاق می‌شود که تابعیت کشور میزبان را نداشته و تابع کشوری دیگر باشد. براساس این تعریف، گروه‌هایی همچون مهاجران، پناهندگان و پناهجویان نیز در زمره افراد بیگانه قرار می‌گیرند. به همین لحاظ، آنان در بعضی موارد مانند شهروندان کشور میزبان دارای کلیه حقوق یا تکلیف‌های مدنی و سیاسی نیستند. مهاجران نیز خارجی‌اند و تبعه کشور میزبان نمی‌باشند. آنان قاعداً تابعیت یک کشور خارجی را دارند و بر این اساس، یک شهروند خارجی محسوب

کنترل مهاجرت‌ها و اتخاذ برنامه‌هایی واحد در این خصوص ایجاد می‌شود، نمی‌توان کشور را اداره کرد (صفوی، ۱۳۸۹: ۱). بدین ترتیب، می‌توان مهاجرت را یک پدیده گسترده دانست که با مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی مرتبط است و نباید به مهاجرت صرفاً به‌عنوان بحران نگاه کرد، بلکه باید از فرصت‌های آن بهره برد و با برنامه‌ریزی مناسب، مهاجرت را مدیریت کرد.

پناهندگی و مهاجرت دو نوع از مصادیق ترک اقامتگاه و موطن با انگیزه‌های متفاوت می‌باشند. به‌عنوان یک قاعده، هرگاه تغییر موطن و اقامتگاه بنا به دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد، معمولاً فردی که ناگزیر به ترک موطن شده است را پناهنده و عمل وی پناهندگی است؛ اما هرگاه اهداف اصلی ترک موطن و اقامتگاه، به‌دست‌آوردن امکانات رفاهی و مواهب اقتصادی باشد، فرد مزبور مهاجر و عمل وی مهاجرت است.

در کل، بیگانگان براساس نحوه ورود و حقوقی که از آن برخوردار می‌باشند، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مهاجران: افرادی هستند که به دلایل سیاسی، قومی، اعتقادی، جمعیتی یا اقتصادی، وطن خود را ترک کرده و به سرزمینی دیگر که مجوز اقامت در آن را دریافت کرده‌اند، کوچ می‌کنند و تصمیم دارند برای مدت طولانی در آنجا ساکن شوند (فدوی، ۱۴۰۰: ۸۷).

ب) پناهندگان به افرادی گفته می‌شود که به دلیل عوامل نژادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، ادامه زندگی تحت حاکمیت نظام کشور خود را غیرقابل تحمل یافته و به دلیل نگرانی از جان، مال یا امنیت خانواده‌شان، به کشوری دیگر پناه می‌برند. هرچند این افراد در مفهوم عام مهاجر محسوب می‌شوند، اما به دلیل وجود نظام حقوقی بین‌المللی ویژه برای حمایت از آنان، تدوین قوانین و مقررات خاص در کشورهای میزبان برای سامان‌دهی وضعیتشان ضروری است.

ج) آوارگان به افرادی گفته می‌شود که به دلیل عوامل سیاسی، مذهبی، اجتماعی، وابستگی به گروه‌های خاص، درگیری‌های

^۱ - Tourists

بازنگری و به‌روزرسانی این مقررات را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد.

در تمامی کشورها، حقوق مهاجران با محدودیت‌هایی مواجه است و این محدودیت‌ها غالباً براساس مصالح و سیاست‌های کلان کشور اعمال می‌شود. بر این اساس، بهره‌مندی مهاجران از برخی حقوق می‌تواند مشروط به رعایت شرایط خاصی باشد یا در مواردی، برخی از حقوق از آنان سلب شود. این امر، اگرچه ممکن است به دلایل امنیتی و اقتصادی توجیه شود، اما نیازمند توازنی میان حفظ منافع ملی و رعایت اصول انسانی و حقوق بشری است.

۳- تعارض قوانین کشور مهاجرفرست و مهاجرپذیر

عوامل پیدایش قضایای تعارض قوانین موارد متعددی دارد که دسته‌ای از آن مربوط می‌شود به حاکمیت‌ها و دسته دیگر مربوط می‌شود به اتباع کشورها. برای پیدایش قضیه تعارض قوانین در ابتدا، باید حقی در روابط بین‌المللی برای اشخاص در نظر گرفته شود. بعد از آن، کشور متبوع شخص در این باره قوانین برون‌مرزی را وضع نماید و قانونگذار کشور دیگر نسبت به اجرای قانون خارجی تسامح و تساهل نماید که هر یک از موارد بالا در بخش‌های آینده به ترتیب و تفصیل توضیح داده می‌شود.

۴- عوامل پیدایش تعارض قوانین

۴-۱- وجود حاکمیت‌ها مستقل و متفاوت از یکدیگر

یکی از عوامل اولیه پیدایش قضیه تعارض قوانین، نظام‌های سیاسی مستقل و حاکمیت‌های جداگانه‌ای است که مورد پذیرش جامعه جهانی واقع شده است (نظیف، ۱۳۸۹: ۵۳). وجود حاکمیت‌های مستقل و متفاوت از یکدیگر یکی از عوامل اصلی ایجاد تعارض قوانین در نظام‌های حقوقی مختلف است؛ به این معنا که هر کشور دارای نظام حقوقی، سیاسی و اجتماعی، مختص به خود است که براساس شرایط تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور شکل گرفته است. از آنجا که در جامعه جهانی، استقلال حاکمیت‌ها به رسمیت شناخته شده، هر کشور قوانین و مقررات ویژه‌ای را برای تنظیم روابط داخلی و بین‌المللی خود تصویب می‌کند.

شده و بایستی قبل از ورود به ایران، روادید یا ویزای ورود (اجازه ورود در کشور) را داشته باشند.

با تعریف بیگانه، چنین برداشت می‌گردد که غیر تبعه یک کشور از دید اتباع آن کشور نیز بیگانه محسوب می‌شوند. در ایران تنها در موارد محدودی، مقررات خاص حاکم بر پناهندگان را ملاحظه می‌کنیم؛ این در حالی است که آنان نیز به‌عنوان مهاجران اجباری نیاز به حمایت‌های ویژه در چارچوب نظام داخلی یک کشور دارند. هرچند امکان تغییر تابعیت توسط مهاجر وجود دارد، اما تا زمانی که به‌عنوان غیر تبعه در ایران می‌باشد، از حقوق و تعهدات مربوط به اشخاص بیگانه یا غیر اتباع برخوردار خواهد بود. حتی حقوق ایران تمایزی نیز میان گروه‌های مختلف بیگانگان قائل نشده و تنها به اقسام بیگانگان پرداخته و به مهاجران نیز به‌عنوان گروهی از آنان اشاره کرده است. در حقوق ایران و مقررات داخلی، توجه کمتری به این تقسیم‌بندی شده است. از طرفی نیز قوانین موجود به‌روز نمی‌باشند. این در حالی است که مهاجرت‌ها با جهانی‌شدن و پیشرفت‌های گوناگون متحول می‌گردند و بایستی سعی بر آن داشت که قوانین و مقررات به‌روز و کارآمدی در این خصوص وجود داشته باشد تا بتوان بنحوی شایسته از جایگاه مهاجران در سطح داخلی حمایت‌های لازم را به عمل آورد.

۲- بررسی تقنینی حمایت از مهاجران

حقوق مهاجران در هر کشور عمدتاً بر پایه قوانین داخلی آن کشور تعریف می‌شود. در ایران نیز، علاوه بر اصول مندرج در قانون اساسی، مقرراتی خاص برای تعیین وضعیت حقوقی مهاجران وجود دارد. این مقررات را می‌توان در دو دسته کلی جای داد: نخست، مقررات اداری که به شرایط ورود، اقامت، اشتغال و خروج مهاجران می‌پردازد و هر مهاجر موظف است خود را با این مقررات تطبیق دهد. دوم، مقررات مرتبط با حقوق و امتیازات مهاجران در طول اقامتشان در کشور.

وضع دقیق و شفاف این قوانین، ضمن ایجاد سازوکاری منظم برای کنترل ورود و خروج مهاجران، از ورود غیرقانونی جلوگیری کرده و در نتیجه، تعداد مهاجران غیرمجاز را کاهش می‌دهد. با این حال، پویایی اجتماعی و اقتصادی جامعه، ضرورت

۳-۴- اغماض قانون‌گذار ملی و امکان اجرای قانون خارجی چنانچه اشاره شد، اصل حاکمیت و استقلال کشورها ایجاب می‌کند که در کلیه محاکم کشور خود فقط قانون درون‌مرزی و محلی خویش را لازم‌الاجرا بدانند و صلاحیت داشته باشد که قانون کشور خویش را بر همه ساکنین کشور خود اعمال و اجرا نماید. حال، چه تبعه آن کشور باشد و چه افراد بیگانه و بر این اساس، اعمال قانون خارجی دیگر ممکن نخواهد بود و اگر اجرا شود، نقض حاکمیت آن کشور محسوب می‌شود.

لیکن، این رویه واصل همیشه معمول نبوده و در مواردی ممکن است یک قانون در خارج از قلمرو کشور محل تقنین خود نسبت به اشخاصی اعمال و اجرا شود. نکته حائز اهمیت این است که اگر قانون‌گذار یک کشور برای قاضی ملی خود تنها اعمال قانون کشور خود را تکلیف کند و لازم‌الاجرا بداند و هیچ استثنائی را قائل نشود، در این صورت تعارض قوانین دیگر مطرح نخواهد شد؛ اما اگر قانون‌گذار یک کشور به منظور تسهیل برقراری روابط بین‌المللی اتباع کشور خود با کشورهای خارجی و براساس قواعد حل تعارض، ضمن وضع قانون برون‌مرزی و انتظار اجرای آن در قلمرو کشور خود و از طرفی، اجرای احتمالی قانون خارجی را در محاکم خود بپذیرد و مجاز بشمارد و اجازه استیفاء حق ذیحقی توسط قانون خارجی احتمالی را بدهد، در این صورت ممکن است زمینه تعارض قوانین فراهم شود (ارفع نیا، ۲۰۱۴:۲۶). لذا، اصل حاکمیت کشورها ایجاب می‌کند که فقط قوانین داخلی در محاکم ملی اجرا شوند و اجرای قانون خارجی نقض حاکمیت محسوب شود؛ اما در برخی موارد، برای تسهیل روابط بین‌المللی، قانون‌گذاران ممکن است اجرای قوانین خارجی را در محاکم خود بپذیرند. این امر می‌تواند زمینه تعارض قوانین را ایجاد کند، زیرا اجازه اجرای قانون خارجی در کنار قانون داخلی مطرح می‌شود.

۴-۴- وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها

وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها با یکدیگر پیش‌فرض دیگری است برای تحقق و پیدایش تعارض قوانین؛ زیرا اگر قوانین داخلی کشورها با یکدیگر یکی می‌بود و هیچ تفاوتی بینشان وجود نداشت، دیگر بحث تعارض قوانین مطرح نبود و در نتیجه، ضرورت حل تعارض قوانین هم پیش نمی‌آمد؛

این تفاوت‌ها باعث می‌شود که در مسائل فراملی، مانند قراردادهای تجاری بین‌المللی، احوال شخصیه افراد دارای تابعیت‌های مختلف یا رسیدگی به دعاوی که به چند کشور مرتبط هستند، قوانین کشورها با یکدیگر در تعارض قرار گیرند؛ به‌عنوان مثال، ممکن است یک کشور ازدواجی را معتبر بداند که در کشور دیگر غیرقانونی تلقی شود یا جرمی که در یک کشور مجازات دارد، در کشور دیگر جرم محسوب نشود. بنابراین، تعارض قوانین ناشی از وجود دولت‌های مستقل است که هر یک نظام حقوقی خاص خود را دارند. برای حل این تعارضات، کشورها سعی می‌کنند با انعقاد معاهدات بین‌المللی، تصویب قوانین مرتبط و ایجاد رویه‌های حقوقی مناسب، نظام‌های حقوقی خود را هماهنگ کنند و راهکارهایی برای تعیین قانون حاکم در هر پرونده ارائه دهند.

۴-۲- گسترش ارتباطات در سطح بین‌المللی

تعارض قوانین زمانی رخ می‌دهد که یک رابطه حقوقی به بیش از یک نظام حقوقی ملی مرتبط شود. در صورتی که تمامی عناصر یک رابطه حقوقی در قلمرو یک کشور قرار داشته باشد، مانند انعقاد قرارداد میان دو شهروند ایرانی در داخل ایران، که محل تنظیم سند نیز ایران است، مسئله تعارض قوانین مطرح نمی‌شود و صرفاً قوانین داخلی همان کشور اجرا خواهد شد. در گذشته، به دلیل محدودبودن تعاملات فراملی، تعارض قوانین کمتر موضوعیت داشت؛ اما با توسعه ارتباطات بین‌المللی و گسترش روابط خصوصی میان افراد در سطح جهانی، این مسئله اهمیت بیشتری یافت. همچنین، افزایش مبادلات اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها، زمینه بروز و پیچیدگی‌های تعارض قوانین را فراهم ساخت. در چنین شرایطی، نظام‌های حقوقی مختلف تلاش می‌کنند با ارائه قواعد حل تعارض، به تعیین قانون صلاحیت‌دار در روابط حقوقی چندملیتی بپردازند (سهرابی، ۱۳۹۰:۱۱۹). لذا، چنین می‌توان گفت که تعارض قوانین زمانی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوقی به بیش از یک کشور مرتبط باشد. در گذشته، به دلیل محدودبودن روابط بین‌المللی، این مسئله کمتر رخ می‌داد؛ اما با توسعه مبادلات بین‌المللی میان دولت‌ها و افزایش ارتباطات افراد در سطح جهانی، تعارض قوانین بیشتر شده و اهمیت آن افزایش یافته است.

آمده باشد و به محکمه ارجاع داده شده باشد؛ وگرنه در صورتی که بر پایه توافق طرفین صورت گرفته باشد و منجر به اختلاف نشده باشد، به راحتی پایان یافته و موجب پیدایش تعارض قوانین نخواهد شد (کریمی نیا، ۱۳۹۰: ۲۸). بنابراین، تعارض قوانین زمانی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوقی بین‌المللی به اختلاف منجر شده و به دادگاه ارجاع شود. در غیر این صورت، اگر طرفین بدون اختلاف به توافق برسند، نیازی به بررسی قوانین مختلف و تعیین قانون حاکم نخواهد بود. این دیدگاه منطقی است، زیرا هدف حقوق حل اختلافات است و تا زمانی که اختلافی وجود نداشته باشد، تعارض قوانین نیز مطرح نخواهد شد.

۴-۷- مرتبط‌شدن یک رابطه حقوقی خصوصی با عامل و یا عناصر خارجی

اگر یک رابطه حقوقی تمام اجزایش در داخل یک کشور باشد، دیگر جایی برای مطرح‌نمودن پیدایش تعارض قوانین نخواهد بود و در صورتی که این رابطه حقوقی خصوصی با بیرون از مرز ارتباط پیدا کرد و واجد عنصر یا عناصر خارجی شود، در اینجاست که با حقوق دو و یا چند کشور مرتبط شده و زمینه پیدایش تعارض قوانین می‌شود؛ مثال، ازدواج مرد ایرانی با زن افغانی به دلیل اینکه اختلاف در تابعیت دارند، می‌شود از مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی باشد. همچنین، ارتباط تجاری یک مرد ایرانی مقیم قم با یک مرد ایرانی مقیم پاریس، چون اختلاف در محل اقامت دارند می‌شود از جمله مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی باشد.

۴-۸- وضع قوانین برون‌مرزی

اگرچه اصولاً، نمی‌توان قانون یک کشور را در خارج از قلمرو آن لازم‌الاجرا دانست، ولی این اصل در مواردی استثنا دارد و اگر چنین نبود و قانون‌گذار نمی‌توانست در خارج از قلمرو کشور خود نسبت به اتباعش وضع قانون نماید و تنها قوانین همه کشورها جنبه درون‌مرزی را می‌داشتند و محاکم ملزم بودند که تنها به قوانین داخلی استناد کنند و امکان انتخاب و اجرای احتمالی قانون خارجی را نداشتند، در نتیجه، دیگر بحث از تعارض قوانین موضوعیت نداشته و انتخاب و اجرای احتمالی قانون خارجی هرگز پیش نمی‌آمد. در حالی که چنین نبوده و

بنابراین، برای پیدایش تعارض قوانین لازم است بین قوانین داخلی کشورها تا حدی تفاوت وجود داشته باشد. پس، یکی از شرایط اساسی پیدایش تعارض قوانین، وجود تفاوت بین قوانین کشورها است؛ در حالی که تفاوت حل تعارض کشورها با یکدیگر شرط تحقق پیدایش تعارض قوانین نمی‌باشد، زیرا ممکن است با وجود اختلاف قوانین کشورها راه‌حل واحدی در حل تعارض در نظر گرفته باشند و جملگی به یک قانون واحدی استناد کنند. اساساً، در این صورت، تعارض قوانین پیش نخواهد آمد و قضات هم به دلیل وجود قانون واحد دیگر در حل تعارض مشکلی نخواهند داشت؛ اما در صورتی که چنین قانون واحدی وجود نداشته باشد و اختلاف هم بین قوانین داخلی وجود داشته باشد و یک رابطه حقوقی هم در بین باشد، اینجا است که قاضی ناگزیر است با استفاده از روش حل تعارض قوانین، قانون اصلح را تشخیص دهد و برای حل تعارض قوانین انتخاب و استناد نماید.

۴-۵- برقراری ارتباط حقوقی بین‌المللی

آنچه مسلم است، این است که صرف ارتباطات بین تابعان حقوق بین‌الملل خصوصی موجب تحقق و پیدایش تعارض قوانین نمی‌شود؛ بلکه باید تعاملات و تبادلات کالا در جامعه جهانی تعریف شده باشد و در قالب‌های حقوقی شکل گرفته باشد تا موجب تحقق و پیدایش تعارض قوانین شود (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۲).

بدین ترتیب، صرف وجود ارتباط میان تابعان حقوق بین‌الملل خصوصی برای ایجاد تعارض قوانین کافی نیست؛ بلکه برای تحقق این تعارض، روابط حقوقی باید در چارچوب‌های قانونی تعریف‌شده‌ای شکل بگیرند، مانند قراردادهای تجاری، نقل‌وانتقالات مالی یا سایر تعاملات بین‌المللی که در نظام‌های حقوقی مختلف قابل بررسی باشند. این دیدگاه منطقی است، زیرا بدون تعریف و تنظیم حقوقی این روابط، امکان بروز تعارض قوانین عملاً وجود نخواهد داشت.

۴-۶- تبدیل رابطه حقوقی به دعوی و پیدایش اختلاف حقوقی

ارتباطات ایجادشده حقوقی در عرصه بین‌المللی زمانی موجب پیدایش تعارض قوانین می‌شود که در آن اختلافی به وجود

عین حال، از تأثیرپذیری این حوزه از ملاحظات سیاسی نیز غافل نمی‌ماند (سهرابی، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

در تعارض قوانین میان کشورها، نکته‌ای که بیشتر مورد توجه و عملکرد دولت‌ها قرار می‌گیرد، احکام ممکن و نسبی است. در روابط بین‌الملل، هر کشور و دولتی با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و منافع ملی خود، راهکاری را می‌پذیرد که با شرایط و امکاناتش سازگار باشد. پیروان روش اصولی و جزمی بر این باورند که هیچ دولتی مجبور به اجرای کامل قوانین سایر کشورها در خاک خود نیست، زیرا ممکن است امری در یک کشور قانونی و در کشور دیگر غیرقانونی باشد و از این رو است که هر دولتی می‌تواند در حل تعارض قوانین راهحلی را بپذیرد که با منافع و مصالح دولتش سازگارتر است. بدین ترتیب، طرفداران روش اصولی یا جزمی ملاحظات سیاسی را مقدم بر ملاحظات حقوقی می‌دانند و طبق این باورشان، وصف ذاتاً سیاسی بودن حقوق بین‌الملل خصوصی را تنها اصل مسلم برای حل تعارض قوانین دانسته‌اند. پس، هر گاه پیروان روش اصولی و جزمی بخواهند برای مورد خاصی از تعارض راهحلی را در نظر بگیرند، در ابتدا، منافع خاص آن کشور را مورد ملاحظه قرار داده و بعد از آن، احکام مربوط به آن را نتیجه‌گیری می‌کنند؛ مثلاً، اگر بخواهند درباره احوال شخصیه و احکام مربوط به آن راهحلی را ارائه دهند، نخست به این نکته توجه می‌کنند که کشوری که قاعده حل تعارض برای آن در نظر گرفته می‌شود، از کشورهای مهاجرپذیر است یا مهاجرفرست؛ چرا که می‌گویند مصالح کشورهای دسته اول ایجاب می‌کند که احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه بدانند؛ همچنان که در مسئله تابعیت نیز مصالح این کشورها اقتضا دارد که سیستم خاک در آنها اعمال شود، در حالی که مصالح کشورهای دسته دوم اقتضا دارد احوال شخصیه را تابع قانون ملی خود بدانند؛ همچنان که در مسئله تابعیت نیز مصالح این کشورها اقتضا دارد که سیستم خون در آنها اعمال شود (Care, 2022: 14).

روش اصولی و جزمی در حقوق بین‌الملل خصوصی نشان‌دهنده تأثیر عمیق عوامل سیاسی بر تعیین قواعد حل تعارض قوانین است. این روش با تأکید بر ملاحظات سیاسی و منافع ملی هر کشور، سعی می‌کند قوانین و رویه‌هایی را اتخاذ کند که به

امکان وضع قوانین بیرون‌مرزی از سوی کشورها وجود داشته و اساساً، یکی از عوامل بروز پیدایش تعارض قوانین در نهاد قانونگذاری کشورها می‌باشد.

۵- روش حل تعارض قوانین

درخصوص ضابطه‌مند نمودن قواعد حل تعارض و وضع نمودن قواعد ملی حل تعارض در این مورد از دو روش استفاده می‌شود که عبارتند از روش اصولی و یا جزمی و روش حقوقی و یا انتخاب انساب که این دو روش به منظور وضع قواعد حل تعارض شناخته می‌شوند.

۵-۱- روش اصولی و یا جزمی و خاص الشمول

روش اصولی یا جزم‌اندیشانه در حقوق بین‌الملل خصوصی، رویکردی است که بر مبنای پذیرش یک اصل بنیادین و قطعی آغاز می‌شود و سپس، قواعد و احکام خاص از این اصل استخراج می‌شوند. این روش با نوعی قطعیت نظری همراه است و تلاش می‌کند قواعد حل تعارض قوانین را بر پایه اصول کلی و مسلم تدوین کند. از جمله مبانی روش اصولی می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- پذیرش یک اصل بنیادین: این روش از یک اصل اساسی، مانند حاکمیت دولت‌ها یا مصلحت عمومی، آغاز می‌شود. پس از پذیرش این اصل، قواعد کلی و سپس، احکام خاص از آن استخراج می‌شوند.
- قطعیت و انسجام نظری: در روش جزم‌اندیشانه، قواعد حقوقی باید از نظر تئوریک منسجم و مستدل باشند. این قواعد با دیدگاهی قطعی و غیرقابل تغییر تبیین می‌شوند.

طرفداران این روش معتقدند که حقوق بین‌الملل خصوصی دارای ماهیتی سیاسی است، به این معنا که روابط بین‌المللی و تعارض قوانین تحت تأثیر منافع ملی کشورها و سیاست‌های حاکم قرار دارد و قواعد حقوقی در این حوزه به دلیل تأثیرپذیری از سیاست‌های دولت‌ها، گاه از جنبه صرفاً حقوقی خارج و بیشتر در خدمت منافع سیاسی قرار می‌گیرند. بنابراین، روش اصولی در تلاش است تا از طریق تکیه بر اصول ثابت و کلی، پیچیدگی‌های حقوق بین‌الملل خصوصی را نظم دهد، اما در

حل تعارض قوانین قاعده‌ای را انتخاب نمایند که از لحاظ علمی و نظری یک قانون مناسب‌تر باشد؛ مثلاً، اگر طرفداران روش حقوقی یا انتخاب انطباق در اثر تحلیل موضوعات به این نتیجه رسیدند که روح و طبیعت حقوقی مسائل مربوط به احوال شخصیه این اقتضا را دارد که مناسبترین قانون، قانون ملی است، در این صورت، برایشان مسئله مهاجرپذیر و مهاجرفرست بودن کشورها اهمیتی ندارد؛ زیرا به نظر آنها روح و طبیعت مسائل حقوقی در همه جا یکسان است و در هر حال باید سعی شود که قانون انطباق انتخاب شود و در همه کشورها اجرا شود و به همین جهت است مکتب‌هایی را که از این روش استفاده می‌کنند، عام‌الشمول و تحلیلی می‌گویند و مکتب‌هایی را که از روش اصولی استفاده می‌کنند، خاص‌الشمول و استنتاجی می‌گویند (پورقهرمانی، ۱۳۹۵: ۲). لذا، روش حقوقی یا انتخاب انطباق با تأکید بر تحلیل علمی و نظری، به دنبال انتخاب مناسب‌ترین قانون برای حل تعارض قوانین است. برخلاف روش اصولی و جزمی که ملاحظات سیاسی و منافع ملی کشورها را در اولویت قرار می‌دهد، این روش به طبیعت و روح مسائل حقوقی توجه دارد و سعی می‌کند قانون انطباق را بدون در نظر گرفتن شرایط خاص کشورها، مانند مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن، تعیین کند و در این روش، باور بر این است که مسائل حقوقی در ذات خود یکسان هستند و باید با یک رویکرد کلی و عام‌شمول بررسی شوند؛ برای مثال، در مسائل مربوط به احوال شخصیه (مانند نکاح، طلاق و نسب)، طرفداران این روش تنها به این فکر می‌کنند که از نظر حقوقی، کدام قانون (ملی یا اقامتگاه) بهتر پاسخگوی مسئله است، نه اینکه اجرای آن چه تأثیری بر منافع کشورها خواهد داشت. به همین دلیل، این روش تلاش دارد قواعدی ارائه دهد که قابلیت اجرا در تمامی کشورها را داشته باشد و این رویکرد که مکتب عام‌الشمول و تحلیلی نامیده می‌شود، در مقابل مکتب خاص‌الشمول و استنتاجی (روش اصولی و جزمی) قرار دارد. طرفداران این مکتب معتقدند که قواعد حقوقی باید جهانی و علمی باشند و براساس نیازهای حقوقی، نه ملاحظات سیاسی، تعیین شوند.

بهترین شکل با شرایط و مصالح آن کشور هماهنگ باشند و طرفداران این روش با این باور که حقوق بین‌الملل خصوصی ذاتاً ماهیتی سیاسی دارد، بجای اتکا به اصول کلی حقوقی، ملاحظات خاص هر کشور را در اولویت قرار می‌دهند. مثالی که در متن ذکر شده، به‌خوبی تغییر در رویکرد فرانسه نسبت به احوال شخصیه و تعارض قوانین را نشان می‌دهد. این تغییر رویه از تأکید بر قانون ملی به سمت قانون اقامتگاه، بیانگر تلاش برای ایجاد تعادلی منطقی‌تر بین جنبه‌های حقوقی و سیاسی در روابط بین‌المللی است. در مجموع، می‌توان گفت این روش از یک سو، به کشورها اجازه می‌دهد که منافع ملی خود را در حل تعارض قوانین لحاظ کنند، اما از سوی دیگر، ممکن است باعث ایجاد چالش‌هایی در ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در نظام حقوقی بین‌المللی شود.

۵-۲- روش حقوقی یا انتخاب انطباق

روش حقوقی یا انتخاب انطباق برخلاف روش اصولی و جزمی از قواعد علمی و نظری پیروی کرده و برای حل تعارض قوانین حکمی را جستجو و انتخاب می‌کند که مناسب آن تعارض باشد. در این روش، هیچ‌گونه اصل مسلم و فرضیه قبلی وجود ندارد و جنبه سیاسی مسئله تعارض تحت‌الشعاع جنبه حقوقی قرار می‌گیرد. طرفداران این روش با مسئله‌ای که مربوط بود به قرارداد نکاح، طلاق و نسب و تعارض هم در آن مسائل رخ داده بود، با قطع نظر از این که مصالح کشوری را در نظر بگیرند، راه‌حل آن مسائل را از لحاظ علمی و نظری جستجو می‌کردند و سعی در شناخت انطباق داشتند و در نتیجه، هیچ‌آثاری را اعم از مساعد و نامساعد ناشی از اعمال قواعد گرفته‌شده را اهمیت نمی‌دادند (مدنی، ۱۳۷۸: ۲۴۷).

چنانچه قبلاً اشاره شد، طرفداران روش اصولی در مسائلی که مربوط به احوال شخصیه بود، مصلحت کشورهایی را در نظر می‌گرفتند که مهاجرفرست بودند که قانون ملی را اجرا نمایند و برعکس و در کشورهایی که مهاجرپذیر بودند، اقتضای قوانینشان را در احوال شخصیه قانون اقامتگاه لازم‌الاجرا می‌دانستند و در همه این موارد، آثار بوجودآمده از این اعمال را نیز در نظر می‌گرفتند؛ در حالی که برای طرفداران روش حقوقی یا انتخاب انطباق یک مسئله تنها اهمیت دارد و آن اینکه برای

۶- پاسخ‌های کیفری و سرکوبگرانه نسبت به مهاجرت غیرقانونی

از آغاز آفرینش بشر و از ابتدای شکل‌گیری جوامع انسانی، پدیده جرم مهمان ناخوانده همیشگی زندگی بشریت بوده و هست؛ مهمانی که با خود ناامنی و بی‌نظمی را به همراه دارد؛ بدین لحاظ است که تلاش‌های بسیاری در جهت مقابله با این پدیده انجام گرفته است. دست بازی به اقدامات سرکوبگر که اصلی‌ترین و شدیدترین آن‌ها مجازات است، به‌عنوان شدیدترین واکنش جامعه در برابر جرم همواره نخستین گزینه بوده است. مجازات‌ها به‌عنوان درفش برافراشته حقوق کیفری نیروی یک‌جانبه دولت در برخورد با پدیده بزهکاری است. سرمنشأ مجازات‌ها از قدیم‌الایام در لابلای مفاهیمی همچون سزا، انتقام و ارباب نهفته است. در ادامه، ضمانت اجرای کیفری که سیاست جنایی تقنینی ایران برای مبارزه با مهاجرت غیرقانونی تدارک دیده است را ارزیابی می‌کنیم و به این سؤال پاسخ می‌دهیم که آیا مجازات‌های تعیین‌شده با عناوین مجرمانه تناسب دارند؟

۶-۱- ضمانت اجرای جرائم ورود و اقامت غیرقانونی

قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۹ به تعیین قواعد و مقررات اتباع بیگانه می‌پردازد و شامل مقررات عبور اقامت و خروج اتباع بیگانه و ضمانت اجرای این مقررات می‌باشد. همچنین، از آنجا که حضور بدون مجوز و مخفیانه اتباع بیگانه در ایران به جهات مختلف با امنیت و نظم عمومی کشور منافات دارد، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۱/۱۰ در فصل هفتم امور سیاسی و امنیتی ماده (۲۰۳) وزارت کشور را موظف کرده است در راستای تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل مؤثر مرزها، طرح جامع امنیت پایدار مناطق مرزی که شامل کنترل، مدیریت، حریم امنیتی اقدام‌های عمرانی، انسدادی، اطلاعاتی، علمی، تجهیزاتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و تقویت مرزبانی، بکارگیری بسیج و نیروهای مردمی است تا پایان سال اول برنامه با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارائی دادگستری اطلاعات و نیروی انتظامی و سایر وزارتخانه‌ها و

سازمان‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب شورای عالی امنیت ملی برساند.

لذا، قانونگذار برای اینکه ورود اتباع بیگانه به ایران در چارچوب مقرر در قوانین انجام شود، ضمانت‌های اجرایی پیش‌بینی کرده است که در این قسمت، به آن اشاره می‌شود.

۶-۲- ضمانت اجرای جرم ورود غیرقانونی

شاید شدیدترین و مهم‌ترین اهرم ضمانت اجرا برای ورود غیرقانونی، اخراج باشد که قانونگذار در ماده ۱۱ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه به آن اشاره کرده است و آن را به‌صورت مطلق بیان کرده است و برای آن مدتی ذکر نکرده است و به نظر می‌رسد که اخراج به‌صورت مادام‌العمر یا همیشگی باشد و بنده ماده ۲ قانون فوق‌الذکر مؤید این نظر است؛ چون براساس این بند، مأمورین باید از دادن روادید به کسی که قبلاً اخراج شده است، خودداری کنند. البته، لازم به ذکر است که قانونگذار از یک سو، در ماده ۱۱ قانون اقدامات تامینی، مصوب (۱۳۳۹/۲/۱۲) این اختیار را به دادگاه داده است که می‌تواند خارجی را که به حبس محکوم شده است، از ۳ تا ۱۵ سال از کشور اخراج کند و از سوی دیگر، ماده ۲ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه بیان می‌دارد که مأمورین باید از دادن روادید به کسانی که به حبس جنحه‌ای و یا جنایت محکوم شده‌اند و یا قبلاً، از کشور اخراج شده‌اند، خودداری کنند. موضوعی که مطرح می‌شود این است که چنانچه فردی که به حبس محکوم شده و دادگاه به استناد ماده ۱۱، وی را به مدت ۱۰ سال از کشور اخراج کند، می‌تواند به ایران برگردد؟ به استناد ماده ۲ قانون مذکور، مأمورین باید از دادن روادید به چنین فردی خودداری کنند؛ اما از آنجا که قانون اقدامات تأمینی بعد از قانون فوق تصویب شده است، به نظر می‌رسد چنانچه دادگاه به استناد ماده ۱۱، او را به اخراج برای مدتی محکوم کند، فرد می‌تواند بعد از اجرای محکومیت (۱۰ سال) به ایران وارد شود.

هرگاه ورود غیرقانونی همراه با جعل گذرنامه روادید و... باشد، یا برای تحصیل این قبیل اوراق شهادت کذب دهد یا اظهارات خلاف واقع بیان کند یا از گذرنامه با روادیدی که به‌صورت فوق تحصیل شده است، عامداً استفاده کند، ممکن است به استناد ماده ۱۵ قانون فوق، به حبس تعزیری از ۱ الی ۳ سال

انجام اعمال خلاف مقررات قانون راجع به ورود و اقامت اتباع بیگانه یا در صورت ملغی‌شدن مدت اجازه عبور یا توقف موقت یا دائم، از ایران قابل‌اخراج می‌باشد. همچنین، اگر خارجی در صورت پایان مدت پروانه اقامت و مدرک شناسایی اقدام به تمدید آن ننماید، مرتکب اقامت غیرقانونی خواهد شد که در این صورت نیز قابل‌اخراج است؛ علاوه بر این، به جزای نقدی روزانه ۳۰ هزار تومان به ازای هر روز تأخیر محکوم می‌شود. بند ج ماده ۱۷ قانون بودجه ۱۳۸۵ مصوب مجلس شورای اسلامی البته، در موقع اخراج دولت، الزامی به ارائه دلیل برای اخراج ندارد؛ مگر اینکه نسبت به آن در یکی از محاکم بین‌المللی اقامه دعوا شود. البته، این تصمیم و نیز در مواقعی که جواز اقامت داده نشود، قابل‌تجدیدنظر است.

ضمناً، هرگاه اقامت همراه با جعل گذرنامه با جواز اقامت باشد یا با علم به مجعول‌بودن از آنها استفاده کند یا برای تحصیل این قبیل اوراق شهادت کذب بدهد یا اظهارات خلاف واقع نماید یا از گذرنامه یا جواز اقامتی که به صورت فوق تحصیل شده عمداً استفاده نماید، به استناد ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، به حبس تعزیری از ۱ الی ۳ سال و یا جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم می‌شود.

در کلیه موارد، هیأت وزیران حق دارند که برای حفظ امنیت و یا مصالح عمومی و یا به دلیل مصالح بهداشتی ورود و اقامت بیگانگان در کلیه با قسمتی از مناطق مرزی ممنوع و یا با اتخاذ وسایل مخصوص، نظارت در موارد فوق‌العاده را اعمال نماید و یا اقامت موقت یا دائم را در بعضی مناطق ایران با عبور از آنها را ممنوع اعلام نماید (ماده ۱۳ اصلاحی مصوب ۱۳۳۶/۱/۲۹). لازم به اشاره است که محاکمه متخلفین از مقررات قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران بر طبق ماده ۱۷ قانون مزبور در محاکم عمومی به عمل خواهد آمد (Conde, 2023: 65).

بحث درباره اینکه اساساً مهاجران غیرقانونی باید حمایت شوند یا خیر و اگر آری، چگونه و تحت چه شرایطی، موضوع پیچیده‌ای است که نیازمند بررسی‌های همه‌جانبه در این باره است؛ ولی آنچه نباید فراموش شود، این است که مقابله با مهاجرت غیرقانونی به‌عنوان یک جرم لزوماً مترادف با مقابله و برخورد با مهاجران غیرقانونی نمی‌باشد؛ به گونه‌ای که در ماده

یا جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم شود. این مبالغ با لحاظ ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی تعیین خواهد شد.

طبق ماده ۱۵، در هنگام رسیدگی، قاضی باید قبل از تعیین مجازات، به بررسی این نکته بپردازد که آیا عمل مرتکب مشمول دیگر قوانین است یا خیر؛ چنانچه این امر محقق بود، در صورتی می‌تواند طبق آن قانون حکم بدهد که مجازات سخت‌تری نسبت به ماده ۱۵ قانون مزبور تعیین کرده باشد. ضمناً، بیگانگانی که با روادید ورود به کشور وارد شده و ظرف مدت قانونی وضعیت خود را به فرماندهی انتظامی اطلاع ندهند، در صورتی که عملشان مشمول مجازات سخت‌تری نباشد، به مجازات نقدی پیش‌بینی‌شده در قانون محکوم خواهند شد (ماده ۸ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه ۱۳۱۰). همچنین، قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۵ فوق‌الذکر حالتی را که خارجیانی به تبع اغنام، احشامشان وارد خاک ایران شوند، جرم‌انگاری کرده است که در این صورت، علاوه بر ضبط احشام به نفع دولت ایران، به پنج ماه تا یک سال حبس یا ۳۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد و در صورتی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت همسایه عهدنامه منعقد شده باشد، براساس آن عمل خواهد شد.

۳-۶- ضمانت اجرای جرم اقامت غیرقانونی

همانطور که ذکر شد، یکی از حالت‌های ورود و اقامت اتباع خارجه این است که ورود قانونی است، اما اقامت غیرقانونی است. طبق ماده ۸ اصلاحی قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۵۰ و نیز ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌مصوب ۱۳۵۲/۳/۱۲، برای اینکه تبعه بیگانه بتواند در خاک ایران توقف نماید، بایستی ظرف ۸ روز پس از ورود به ایران، برگه‌های درخواست صدور پروانه اقامت را تنظیم و به انضمام سایر مدارک لازم به نیروی انتظامی محلی که می‌خواهد در آنجا اقامت اختیار کند، تسلیم نماید؛ لذا، اگر خارجی ظرف ۸ روز پس از ورود، به تکلیف ماده ۸ عمل نکند، مرتکب جرم اقامت غیرقانونی شده است که ممکن است از خاک ایران اخراج شود. همچنین، طبق ماده ۱۱ قانون اخیرالذکر، بیگانگان در صورت

صرفاً اقدامات واکنشی کیفری بیان شده است و قانون مذکور از اقدامات پیشگیرانه بهره‌ای ندارد.

۲- یکی از ایرادهای عمده قانون مذکور، به‌روزی نبودن آن است؛ مثلاً، از اصطلاحات قدیمی همچون شهربانی، ژاندارمری، سازمان اطلاعات و غیره استفاده کرده است.

۳- قانونگذار در ماده ۲، مأمورین را مکلف کرده است که در بعضی موارد، از دادن روایید خودداری کنند و این خالی از اشکال نیست؛ زیرا از یک سو، احراز آن موانع را برعهده مأمورین ایرانی گذاشته است و از سوی دیگر، آنها را از اینکه در غیر موارد مذکور در آن ماده از دادن روایید خودداری نمایند، منع کرده است. بهتر است قانونگذار این اختیار مأمورین را محدود کند و مرجعی هم برای شکایت از تصمیم آنان در مورد رد درخواست صدور روایید پیش‌بینی کند.

۴- در قانون مذکور همچون بسیاری از قوانین بعد از انقلاب، از عبارات مجمل و مبهمی استفاده شده است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد تشخیص آن مشکل است؛ برای مثال، بند و ماده ۲ این قانون مقرر داشته که در مواقعی که حضور خارجی در ایران به ملاحظه الصحه عمومی و یا عملیات منافی عفت صلاح نباشد، مأمورین باید از دادن روایید خودداری کنند که در این بند از عبارت حفظه الصحه و منافی عفت استفاده کرده است؛ بدون اینکه معیار و چارچوبی برای آن مشخص کند. عدم ارائه معیار مشخص در تعیین مفاهیم ارائه‌شده در این قانون تنها به این مورد محدود نمی‌شود، بلکه ماده ۱۱ نیز مقرر می‌دارد: در صورتی که خارجی مقرارت این قانون را رعایت نکند و یا اجازه عبور یا توقف خارجی ملغی شود، از خاک ایران اخراج و یا محل توقف او را تغییر می‌دهند؛ اما قانونگذار ملاکی برای اینکه چه موقع باید مرتکب را اخراج کرد و چه موقع باید محل اقامتش را تغییر داد، ذکر نکرده است و این اختیار را به دادرس اعطاء کرده است که یکی از آن دو را انتخاب کند (Cholewinski Ryszard, 2021:45). لذا، یکی از چالش‌های قوانین پس از انقلاب، استفاده از عبارات مبهم و مجمل است که فاقد معیارها و چارچوب‌های روشن برای اجرا هستند. این ابهام باعث می‌شود که قوانین به‌صورت سلیقه‌ای و متفاوت اجرا شوند، زیرا در مواردی که معیار مشخصی وجود

۵ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون پالمو با موضوع قاچاق مهاجران، خود مهاجر به صرف اینکه موضوع قاچاق مطابق تعریف ماده ۶ بوده باشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت؛ اما در قوانین ایران چنین موضوعی به چشم نمی‌خورد.

مجازات‌های اصلی که در قوانین ایران به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری مهاجرت غیرقانونی تعیین شده است، مجازات حبس، جزای نقدی و اخراج است که در بخش ضمانت اجرای ورود و اقامت غیرقانونی به آن پرداخته شد.

با توجه به معیارهایی که بیان شد، می‌توان گفت از آنجا که مهاجرت غیرقانونی و به‌طور دقیق‌تر، ورود و اقامت غیرمجاز اتباع خارجی به ایران جرمی است که می‌تواند ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، از جمله تهدید امنیت مناطق مرزی تبعات نامطلوب بهداشتی و... که در قسمت دلایل جرم‌انگاری به برخی از آنها اشاره شد، هزینه‌های بسیاری را بر دولت ایران تحمیل می‌کند. بنابراین، جزای نقدی و اخراج قابل‌توجه است. ولیکن، مجازات حبس به دلیل عدم بازدارندگی کافی تحمیل هزینه بر دولت ایران، عدم تناسب با شخصیت و اوضاع و احوال مجرم، به نظر با این جرم تناسب ندارد. شاید بهترین و مؤثرترین ضمانت اجرا جزای نقدی توأم با اخراج است که انگیزه‌های مهاجرت غیرقانونی را از بین برده و هزینه‌های تحمیل‌شده را نیز تا حدودی جبران می‌کند. در پایان، ذکر این نکته لازم است که پاسخ به مهاجرت غیرقانونی نباید به اقدامات سرکوبگرانه محدود شود؛ زیرا برخورد سرکوبگرانه بجای اینکه جلوی آن را بگیرد، به گسترش آن و مخفی‌شدن و پیچیده‌شدن راه‌های ارتکاب آن خواهد انجامید.

مقررات مربوط به ورود و اقامت غیرقانونی در حقوق ایران دچار تغییرات فراوانی بوده است. در حال حاضر، این ورود و اقامت تابع قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰ است که در سال‌های ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۴۳، ۱۳۵۰ و ۱۳۶۷ در آن اصلاحاتی صورت گرفته است. اکنون، لازم است برخی کاستی‌های قانون مزبور تبیین شود:

۱- باوجود اینکه عنوان قانون مذکور عام و کلی است و اقدامات کنشی و واکنشی را در بر می‌گیرد، ولی در متن قانون

مهاجرت، پیوستگی سیاست‌های اشتغال و مهاجرت و افزایش تعاملات بین‌المللی از جمله مسائلی است که می‌توانند در سیاست ملی مهاجرت مطرح باشند.

حساسیت حضور مهاجران و نقش آنها در پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها ایجاب می‌کند که نگاه سنتی به مهاجران تغییر یابد. در حقیقت، جایگاهی که مهاجران در قوانین ایران دارند، قدمتی چندساله دارد که بایستی جایگاه آنها با توجه به مقتضیات مورد توجه باشد. تنظیم حداقل حقوق برای مهاجران بر این فرض مبتنی و استوار است که در نتیجه اعطای آن حقوق به آنها، نه از جهت امنیت ملی و نه از جهت اقتصادی، خطری متوجه آن کشور نشود و یا آنکه بر اثر پذیرش مهاجران، جمعیت کشور به حدی گسترش نیابد که کنترل و تهیه تسهیلات و تأمین بستر مناسب برای چنین جمعیتی دشوار گردد.

در اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی ایران بایستی بر دو هدف تأکید گردد: یک مورد، نوع افرادی است که وارد کشور می‌شوند و دیگری، نحوه برخورد و رفتاری است که با مهاجران می‌گردد. با تنظیم سیاست‌های مهاجرتی می‌توان نوع افرادی را که به ایران مهاجرت می‌کنند، تعیین نمود. اغلب مهاجران در کشورهای مهاجرپذیر از جمله ایران با مشکلاتی روبرو می‌شوند، بنحوی که عدم توجه به مشکلات اولیه آنان یک واقعیت بوده است. از این جهت، گروه‌هایی به ایران مهاجرت می‌کنند که بتوانند با مشکلات کنار بیایند. از جمله این مشکلات مربوط به اقامت و مجوز کار است. مشکلات مزبور تنها برای جامعه افغان‌ها در ایران نیست، بلکه درخصوص تمام مهاجران چنین مشکلاتی وجود دارد. سیاست‌های بهتر از جمله صدور مجوز اقامت و کار تحت شرایط قابل قبول‌تر، اجازه تحصیل به فرزندان مهاجران (حتی اعمال سیاست‌های تشویقی در این خصوص) و اعطای نوعی شهروندی در پی اقامت درازمدت می‌تواند بهترین برخوردی باشد که ایران برای حمایت از مهاجران در کشور خود اتخاذ می‌کند. ایران نیز مانند کشورهای صنعتی که نهایت استفاده را از مهاجرت می‌برند، می‌تواند با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مطلوب‌تر، اعتماد مهاجران را جلب نموده و از منافع و آثار مثبت مهاجرت بهره‌مند گردد.

ندارد، تشخیص به عهده مقام اجرا یا دادرس گذاشته می‌شود؛ برای مثال، در بند «و» ماده ۲ قانون، عباراتی مانند حفظه الصحه و منافی عفت به کار رفته است، اما هیچ تعریف یا ملاکی برای تشخیص این مفاهیم ارائه نشده است؛ این امر باعث می‌شود که تفسیر این عبارات به برداشت‌های شخصی یا فرهنگی وابسته باشد که می‌تواند موجب ناهماهنگی در اجرا شود و همچنین، در ماده ۱۱ نیز، قانون‌گذار تصمیم‌گیری در مورد اخراج یا تغییر محل اقامت یک خارجی را به اختیار دادرس واگذار کرده، بدون اینکه ملاک مشخصی برای انتخاب بین این دو اقدام تعیین کند. این امر می‌تواند به ایجاد سردرگمی، بی‌عدالتی یا حتی سوءاستفاده منجر شود و به‌طور کلی، عدم تعیین معیارهای روشن و دقیق در این قوانین، هم مانع شفافیت در اجرا و هم موجب کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی می‌شود. پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار، در اصلاحات احتمالی، این مفاهیم را تعریف کند و چارچوب‌های اجرایی مشخصی را ارائه دهد تا مانع از تفسیرهای سلیقه‌ای و اعمال ناهماهنگ شود.

نتیجه‌گیری

در مورد مهاجرت و مهاجران اصول و معیارهای متفاوتی وجود دارد که در نحوه برخورد با مهاجران بسیار مؤثر می‌باشد: ۱- اصول و استانداردهایی که از حاکمیت دولت‌ها ناشی می‌شود و شامل حق حفظ مرزها، اعطای تابعیت، پذیرش و اخراج، مبارزه با قاچاق، تضمین و تأمین امنیت ملی است. ۲- اصول و معیارهایی که مربوط به حقوق بشر افرادی است که دخیل در مهاجرت هستند. هر دو این معیارها به‌طور مشترک مورد توجه شاخه جدیدی از حقوق بین‌الملل به نام حقوق بین‌الملل مهاجرت می‌باشد.

بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر یا مهاجرفرست، از یک سیاست ملی مهاجرت برخوردارند و آن را مدیریت می‌کنند. به نظر می‌رسد ایران نیز با پذیرش حق مهاجرت برای افراد و حفظ کلیه حقوق مهاجران، سیاست‌هایی را برای کشور تدوین کرده و براساس آن، روابط دیپلماتیک خود را با سایر کشورها تنظیم می‌کند. ایجاد مکانیزم ارزیابی آثار مهاجرت، ایجاد هماهنگی میان ارگان‌های توسعه‌ای و دستگاه‌های مسؤو

-فدوی، سلیمان (۱۴۰۰). «بررسی و وضعیت تابعیت در حقوق ایران». *مجله کانون*، ۴۶: ۸۵-۱۰۶.

-کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

-مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۸). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ چهارم، نشر پایدار.

-الماسی، نجادعلی (۱۴۰۱). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ بیست‌ویکم، تهران: میزان.

-نظیف، مجتبی (۱۳۸۹). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: دادگستر.

ب. منابع انگلیسی

-Care, G. & Storey H., (2022). *Asylum Law, first International Judicial Conference*, London.

-Cholewinski, R (2021). *Migrants Workers in International Human Rights Law "Their Protection in Countries of Employment"*. Oxford University Press.

-Conde, H. V (2023). *A Handbook of International Human Rights Terminology*, second Edition, Santa Barbara CA: ABC – Clio.

-Convention on the Participation of Foreigners in Public Life at the Local Level, Strasbourg, 5 Feb. 1992, ETS No. 144.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و اجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله فاقد هر گونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۴۰۲). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ دهم، تهران: سمت.

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ اول. تهران: سمت.

- ارفع نیا، بهشید (۱۴۰۲). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. جلد دوم، چاپ هفدهم، تهران: بهتاب.

- پور قهرمانی، زهرا و غریبه، علی (۱۳۹۵). *تعارض قوانین در روابط خانوادگی. دومین کنفرانس ملی چار سوی علوم انسانی*. اسفندماه.

-سنجابی، سمانه و دائی، طیبه (۱۳۹۷). «رابطه‌ی بزه‌دیده شناسی و جرم‌شناسی». *فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی*، ۸: ۵۷-۸۰.

-سهرابی، محمد (۱۴۰۰). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. چاپ چهارم، تهران: گنج دانش.

-صفوی، سردار (۱۳۸۹). «ساختارهای ساماندهی مهاجرت در کشور ضعیف و ناهماهنگ است». *روزنامه خراسان رضوی*. مورخ پنج شنبه ۱۳/۱۲/۸۹، شماره انتشار: ۱۷۷۸۶.